

بسم الله الرحمن الرحيم

ساخت و روابط
قدرت در دولت مدینه

شهرام آموزگار

سرشناسه	:	آموزگار، شهرام، ۱۳۶۰-
عنوان و نام پدیدآور	:	ساخت و روابط قدرت در دولت مدینه/شهرام آموزگار.
مشخصات نشر	:	اردبیل: آریتان، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	:	۱۱۰ ص.
شابک	:	۸۰۰۰۰ ریال 4-03-6290-600-978
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	واژه‌نامه.
موضوع	:	ویر. ماکس، ۱۸۶۴ - ۱۹۲۰م. -- نظریه‌های سیاسی و اجتماعی
موضوع	:	محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- سیاست و حکومت
موضوع	:	اسلام و دولت -- تاریخ
موضوع	:	مدینه -- تاریخ
رده بندی کنگره	:	۲۱۳۹۲س۸۱BP۲۳۱/
رده بندی دیویی	:	۲۹۷/۴۸۳۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۳۱۸۲۳۲۸

شناسنامه کتاب

نام کتاب : ساخت و روابط قدرت در دولت مدینه

نویسنده : شهرام آموزگار

ناشر : آریتان

لیتوگرافی : آریتان اسکندر

چاپ و صحافی : سازمان چاپ و نشر نگین سبلان

تیراژ : ۱۰۰۰ جلد

قیمت : ۸۰۰۰۰ ریال

شابک : ۴-۰۳-۶۲۹۰-۶۰۰-۹۷۸

فهرست مطالب

۶		تقدیر و سپاس
۷		مقدمه

۲۲		فصل اول . چیستی دولت
۲۴		امکان و ضرورت تعریف دولت
۲۵		ویژگیهای لازم در تعریف دولت
۲۶		تاریخچه دولت پژوهی
۳۰		برخی تعاریف از دولت
۳۱		دولت از نگاه ماکس وبر
۳۲		نهاد سیاسی خاص
۳۳		۱. اجبار فیزیکی
۳۴		۲. قلمرو
۳۶		۳. انحصار
		۴. مشروعیت

۹		فصل دوم . ساخت قدرت در دولت مدینه
۱		سیر تحولات منجر به هجرت
۳		تشکیل دولت از اهداف پیامبر اسلام(ص)
۴		زمینه های تاثیر گذار در تشکیل دولت مدینه
۵		مولفه های تشکیل دهنده دولت مدینه
		۱. جمعیت

۴۷		۲. سرزمین
۴۸		۳. حکومت
۵۲		۴. حاکمیت
۵۳		مقایسه تطبیقی دولت مدینه با برداشت وبری از مفهوم دولت
۵۳		نهاد سیاسی خاص
۵۵		۱. اجبار فیزیکی
۵۷		۲. قلمرو
۵۷		انحصار
۵۸		۴. مشروعیت

فصل سوم . روابط قدرت در دولت مدینه

۶۰		روابط قدرت در دوران پیش از نزول وحی
۶۲		روابط قدرت در مدینه پیش از هجرت
۶۴		تأثیر عقود و پیمان نامه مدینه در روابط قدرت
۶۸		روابط قدرت در دولت مدینه
۶۸		۱. روابط قدرت میان هیأت حاکمه
۷۰		۲. روابط قدرت میان دولت و امت و قبایل
۷۸		۳. روابط قدرت میان دولت مدینه و مخالفان
۸۲		۴. روابط قدرت میان دولت مدینه و سایر قدرتها
۸۹		تأثیر ارزشهای قبیله ای بر روابط قدرت
۹۲		سقیفه بنی ساعده و تأثیر منطق قبیله بر روابط قدرت
۹۷		جمع بندی
۱۰۰		پیوست: پیمان نامه مدینه
۱۰۶		منابع و مأخذ

تقدیر و سپاس

این نوشتار اگر ارزش پژوهشی داشته باشد، مرهون تلاشها و راهنماییهای اساتید بزرگوار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی به‌ویژه جناب آقای دکتر شجاع‌احمدوند - استاد راهنما - و جناب آقای دکتر ابراهیم برزگر - استاد مشاور - بوده است. و جناب شخصیت‌های علمی و بزرگواری چون این دو استاد گرانقدر، بی شک فرصتی مغتنم برای دانشجویان پژوهشگرانی است که مشتاقانه در پی کسب معارف بخصوص در حوزه اندیشه سیاسی هستند؛ با این اوصاف بر خود وظیفه می‌دانم از آن استادان دلسوز، و به نحو خاص از جناب آقای دکتر احمدوند کسب سهم بسزایی را در به نتیجه رسیدن این پژوهش داشته‌اند، سپاسگزاری دوچندان داشته باشم.

شهرام آموزگار

مقدمه

بعثت نبی مکرم اسلام (ص) در دورانی از تاریخ جزیره العرب به وقوع پیوست که این سرزمین به جز بخش هائی از آن (یمن فعلی) که به دست ساسانیان اداره می‌شد، فاقد هرگونه حکومت مرکزی و تشکیلات متمرکز سیاسی - اجرایی جهت اداره امور عمومی بود لذا نوعی خودمختاری بر محوریت «قبیله» در سرتاسر این سرزمین و از جمله یثرب و مکه حکمفرما بود.^۱ شرایط اقلیمی و آب و هوای جزیره العرب^۲ و عدم تمایل دولت های بزرگی چون ایران و روم به فتح جزیره العرب به علت همین شرایط جغرافیایی، از مهم ترین علل تداوم ساختار قبیله ای و سنن و فرهنگ ناشی از آن بود. با این توضیح، اساس قدرت را در جزیره العرب «قبیله» تشکیل می‌داد که البته این قدرت در اموری همانند استقلال جغرافیائی قبایل (اطم)^۳ و استقلال فرهنگی قبایل در سنن و رسوم (ربعه)^۴ خود را نمایان می‌ساخت. چنانکه گذشت، دو شهر مکه و یثرب نیز از این قاعده مستثنی نبودند و لذا همین امر خود نقطه آغازی برای حرکت سیاسی پیامبر اسلام (ص) گشت بطوریکه پیمان عقبه اول در سال دوازدهم بعثت و «پیمان عقبه دوم» که در سال سیزدهم بعثت در بنی مذاکره پیامبر با تعدادی از مردم مدینه به وقوع پیوست، از همین منظر قابل تحلیل است. در شهر یثرب طوایف و قبایل مختلف عرب و یهود حول دو قبیله مهم «اوس» و «خزرج» سال ها بود که به تقابل و نزاع برخاسته بودند. پس از جنگ «یوم بعثت» در سال های نزدیک هجرت و به خاطر کشته‌های بسیار زیاد این جنگ، هردو طرف خواهان آشتی و پایان نزاع بودند اما به علت سنت رایج قبیله‌ای مبنی بر لزوم پرداخت خون بها و از طرفی تعیین میزان این خون بها از سوی شخصی که اولاً همه ریاست او را قبول داشته باشند و ثانیاً در

^۱ - عبد الرحمن بن خلدون، العبر: تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالحمید آیتی، (تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳)، ج ۱، ص ۴۶ و ۲۳۲.

^۲ - رسول جعفریان، تاریخ تحول دولت و خلافت در اسلام، (قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳)، ص ۱۶.

^۳ - صالح احمد العلی، دولت رسول خدا (ص)، ترجمه هادی انصاری، (قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱)، ص ۱۶۵.

^۴ - همان، ص ۲۴.

جریان نزاع بی طرف باشد، این امکان به وجود نیامده بود. شیوه تبلیغ پیامبر اسلام (ص) در موسم حج که به نزد افراد و قبایل زیارت کننده کعبه رفته و به تبلیغ آئین اسلام می پرداختند،^۱ باعث آشنائی آن حضرت با تعدادی از مردم یثرب شد. این عده مسلمان شدند و برای تبلیغ اسلام به یثرب بازگشتند. در سال بعد از این واقعه تعداد دوازده نفر از مردم مدینه با پیامبر پیمان «عقبه اول» را بستند که این پیمان خود باعث ایجاد زمینه جهت «پیمان عقبه دوم» در سال بعد یعنی سال سیزدهم بعثت با تعداد هفتاد و سه نفر از مردم یثرب شد. این پیمان به نوبه خود فرصتی مغتنم برای پیامبر جهت هجرت و تبلیغ آئین اسلام و نیز برای مردم یثرب جهت رهائی از مصیبت جنگ های قبیله ای و پایان یکباره این نزاع ها بشمار می رفت. مفاد پیمان عقبه دوم در واقع بنیاد و اساس ریاست دینی - سیاسی پیامبر اسلام (ص) بر شهر یثرب (که بعدها به مدینه النبی و سپس مدینه شهرت یافت) بشمار می رود. بر اساس بخشی از این پیمان نامه، مردم مدینه متعهد می شدند که از پیامبر حمایت کرده و با دوستان او دوست و با دشمنان او دشمن باشند (بعده الحرب). قابل ذکر است که از پیامبر حمایت کرده و با دوستان او دوست و با دشمنان او دشمن همان سنت های «قبیله» میسر شد^۲ بطوری که در خصوص قبیله بنی عبدالاشهل، طبری در جلد سوم کتاب مهم «تاریخ طبری» (این گونه می گوید که پس از گفتگوی اسعد بن خضیر با مصعب بن عمیر و اسلام آوردن اسعد بن خضیر، وی به پیش سعد بن معاذ آمد و با تحریک عرق قبیله ای وی (چون میزبان مصعب، پسر خاله سعد بن معاذ بود)، او نیز اسلام آورد. طبری در ادامه می نویسد:

«چون سعد معاذ به نزدیک قوم ایستاد، گفت: ای بنی عبدالاشهل مرا چگونه می شناسید؟ گفتند: سالار و سرور ما. گفت: زبان و مردان شما با من سخن نکنند تا به خدا و پیامبر او ایمان بیاورند.

گوید: به خدا همان شب در محله عبدالاشهل مرد و زنی که مسلمان نشده باشند، نبود»^۳

بنابراین، حرکت سیاسی - دینی پیامبر بواسطه ساختار قبیله به پیش میرفت و لذا «قبیله» از اهمیتی اساسی در این دعوت برخوردار بود. پس از هجرت پیامبر اسلام (ص) به مدینه، در همان اوائل هجرت پیمان نامه ای بین پیامبر و قبایل عرب و یهود مدینه منعقد شد که به «پیمان نامه مدینه» شهرت یافت و در واقع بنیان حقوقی حکومت پیامبر (ص) در مدینه را تشکیل می داد.^۴ این پیمان نامه در ۴۷ بند نوشته شد و بر اساس آن حقوق افراد و قبایل مورد تاکید قرار گرفت. از این پیمان نامه به عنوان سندی که روابط میان حکومت و مردم را تبیین می کند، چهار نکته اساسی برداشت می شود:

۱ - محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، الرسل والملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، (تهران: نشر اساطیر، ۱۳۷۵)، ج ۳، صص ۸۹۶-۹۰۰.

۲ - همان، صص ۸۹۲ و ۸۹۳.

۳ - همان، ص ۸۹۹.

۴ - ر.ک.: محمد حمیداله، اولین قانون اساسی مکتوب در جهان، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، (تهران: بعثت، ۱۳۵۷).

نخست، مفهوم «امت» تمامی مسلمانان (مهاجران و انصار)، یهود و مشرکان ساکن حرم (مدینه) را شامل می‌شد به طوریکه در بند ۲۵ پیمان نامه به وضوح بدان اشاره شده است: «یهود بنی‌عوف، خود و هم پیمانان (موالی) آنها، با موالی یک امت هستند. یهود به دین خود و مسلمانان به دین خودشان، مگر کسی که ستم کند و گناه نماید و چنین کسی جز خود و خاندانش را دچار زحمت نخواهد کرد.»

دوم، مطابق این سند و سایر بیعت‌هایی که بعدها به وقوع پیوست و نیز آیات ۸۰ سوره مبارکه اسراء، ۹۷ انفال و ۱۰۰ نساء، شرایط اطلاق واژه «امت» و حتی شرط اسلام مسلمانان ساکن سایر مناطق «هجرت به مدینه» بود که البته این شرط در بسیاری از بیعت‌ها (تا فتح مکه در سال هشتم هجرت) همواره مورد تاکید قرار می‌گرفت.^۱

سوم، در این پیمان نامه حقوق افراد در کنار حقوق قبایل مورد تاکید قرار گرفته است. بدین مفهوم که علاوه بر سنت رایج عرب مبنی بر حرمت حقوق سران و اشراف قبایل (حق جوار،^۲ امان و...)، حقوق عامه مردم و برابری آن مورد تاکید قرار گرفته است.

چهارم، در این پیمان نامه بر استقلال داخلی قبایل از لحاظ جغرافیائی (اطلم) و فرهنگی (ربعه) در چارچوب اصول کلی اسلام تاکید شده است (بندهای ۲۴ الی ۳۵ پیمان نامه).

بدین ترتیب پیمان نامه‌های عقبه اول و دوم، پیمان نامه مدینه و نیز آیات الاحکام اسلامی (حدود ۵۰۰ آیه) شالوده نظام سیاسی حکومت پیامبر اسلام (ص) بر مدینه را بنیان نهادند و روابط قدرت و مردم را نمایان ساختند.

در خصوص تحلیل ساختاری این روابط، اشاره به این نکته ضرورت دارد که روابط قدرت در مدینه براساس وحی اسلامی و در بستر قبیله شکل گرفت. بدین مفهوم که وحی اسلامی و میراث قبیله دو عامل اساسی در جریان قدرت در حکومت مدینه بودند. پیامبر اسلام (ص) براساس وحی اسلامی از یک سو به تقابل با میراث قبیله برخاستند و از سوی دیگر بسیاری از عناصر قبیله بویژه ساختار عمومی آن را حفظ و در جریان روابط قدرت مدنظر قرار دادند. البته به رغم نقض تعیین کننده قبیله در جریان روابط قدرت در مدینه، آنچه در میان گروه دعوت (مسلمانان نخستین) تعیین کننده و به قول محمد عابد الجابری مخیله اجتماعی آنان را تشکیل می داد، عقیده اسلامی (در برابر قبیله و غنیمت) بود.^۳

جدا از روابط این حکومت، ساخت آن نیز از مشخصه‌هایی برخوردار است که باعث نزدیکی آن به مفهوم مدرن «دولت» شده است. نخستین ویژگی ساخت نظام سیاسی حاکم - محکوم مدینه، عنصر «سرزمین» یا «حرم» می‌باشد. حکومت پیامبر اسلام (ص) دارای «حرمی» بود که در بند ۳۹ پیمان نامه مدینه بدین ترتیب مورد اشاره قرار گرفته است: «داخل شهر یشرب برای اهل این صحیفه منطقه امن و

^۱ - جعفریان، تاریخ تحول دولت و خلافت در اسلام، صص ۴۱۴۰.

^۲ - غلامحسین زرگری نژاد، تاریخ صدر اسلام، (تهران: سمت، ۱۳۷۸)، ص ۱۶۹.

^۳ - محمد عابدالجابری، عقل سیاسی در اسلام، ترجمه عبدالرضا سواری، (تهران: گام نو، ۱۳۸۴)، ص ۹۲.

حرم می‌باشد». محمد حمیداله در کتاب «تاریخ مدینه» این گونه می‌نویسد: ابن جحیفه از سندی نام می‌برد که نزد علی (ع) بوده و در آن نوشته شده بود: بسم الله الرحمن الرحيم، محمد فرستاده خدا گفت: «هر پیامبر را حرمی است و مدینه، حرم من است»^۱ آنچه که از این روایات و دیگر منابع تاریخی استنباط می‌شود، حاکی از این است که پیامبر اسلام (ص)، مدینه و حرم آن را به عنوان سرزمین حکومت خود محسوب می‌فرمودند و بر این اساس است که حمیداله به نقل از المطری آورده است که: «پیامبر تعدادی از یاران خود را فرستاد تا حدود حرم مدینه را از هر سو نشانه‌گذاری کنند»^۲ از طرفی واژه «حرم» نیز در نزد عرب که در مقابل «حل» به عنوان مرزبندی جغرافیائی آورده شده است، احکام ویژه‌ای برای خود دارد که از جمله آن حرمت مسافران، عدم قطع درختان و... می‌باشد. نکته قابل ذکر در خصوص حرم حکومت پیامبر (ص) در مدینه این است که با توجه به قبول ساخت کلی قبایل توسط پیامبر (به شرط تعهدات اعتقادی و مالی چون زکات)، اصولاً استقلال جغرافیائی این قبایل (اطم) نیز مورد قبول آن حضرت بود. «اطم» بنیایی محکم و بلند قلمداد می‌شد که معمولاً جهت قلعه دفاعی مورد استفاده قرار می‌گرفت و لذا واژه «اطم» در نزد عرب دارای مفهومی جغرافیائی بوده و فضای جغرافیائی قبایل را مشخص می‌ساخت.

از طرفی این حکومت از لحاظ عنصر «جمعیت» نیز بسیار نزدیک به مفهوم مدرن «دولت» می‌باشد. همان طور که پیش‌تر عنوان شد، در جای جای پیمان نامه مدینه، مردم ساکن مدینه اعم از مهاجران، انصار، یهود و مشرکان، با واژه «امت» اطلاق می‌شدند که از جمله آن بند ۲۵ پیمان نامه می‌باشد. با این توضیح می‌توان گفت که مفهوم «امت» در حکومت پیامبر (ص) در مدینه هم ردیف مفهوم جمعیت در تعریف مدرن «دولت» می‌باشد. اما نکته دیگر آنکه با توجه به مفاد این پیمان نامه و روابط حکومت پیامبر و مردم مدینه، اصولاً واژه «امت» در پیمان نامه مدینه از همان ابتدا دارای مفهومی سیاسی بوده که فراتر از تعلقات اعتقادی و بر اساس نوعی «قرارداد اجتماعی» استوار بوده است. این برداشت از بند ۲۵ و سایر بندهای پیمان نامه قابل دریافت است؛ چنانکه همه افراد و قبایل ذکر شده در این پیمان نامه، به اعتبار آن، مشمول اطلاق واژه «امت» گشته‌اند. نکته دیگر آنکه مفهوم امت نیز همانند قبیله دارای یک ساختار سلسله مراتبی بوده است چنانکه صحابه نزدیک پیامبر در ساختار مفهومی «امت» دارای جایگاهی همانند سران و اشراف قبایل بوده‌اند.

عنصر دیگری که در نزدیکی نظام سیاسی - دینی مدینه به مفهوم مدرن از «دولت» نقش تعیین کننده دارد، «حکومت» می‌باشد. حکومت یکی از معنول‌ترین مفاهیمی است که به صورت هم معنا با مفهوم «دولت» به کار برده می‌شود در حالی که منظور ما از حکومت (Government)، آن وجه از

^۱ - سمهوی، وفاء الوفاء، (بیروت: بینا، ۱۹۵۵م)، ج ۱، ص ۹۲. به نقل از: محمد حمیداله، نامه‌ها و پیمانهای سیاسی حضرت محمد (ص) و اسناد صدر اسلام، ترجمه سید محمد حسینی، (تهران: سروش، ۱۳۷۴)، ص ۱۱۲.

^۲ - همان، ص ۶۵۹.

دولت (state) می‌باشد که امور عمومی را برعهده دارد.^۱ بنابراین در یک نگرش کلی می‌توان دولت را به عنوان قدرت عمومی کاملی در نظر گرفت که به حکومت شخصیت می‌بخشد. در واقع حکومت مجری و حامل اقتدار دولت است. در یک مقایسه تطبیقی نیز نظام حاکم - محکوم مدینه در دوران ریاست سیاسی - دینی پیامبر اسلام (ص) بر آن، حکومتی بود که در واقع از لحاظ ساختار اجرایی، پیامبر مرکز دایره و صحابه نزدیک آن حضرت نزدیک‌ترین دایره به این مرکز قلمداد می‌شدند. همچنین این حکومت دارای کار ویژه‌هایی از قبیل انطباق با محیط، تقلیل منازعه و کشمکش میان بخش‌های مختلف جامعه و... بود که البته از این لحاظ (با یک مطالعه تطبیقی) نیز شباهت بسیار زیادی به عملکرد حکومت‌های مدرن دارا بود چنانکه انحصار قدرت (از نظر پیمان نامه مدینه) و نیز قدرت قانونگذاری، این شباهت را بیشتر قوت می‌بخشد. اما از لحاظ کارکرد نیز این نظام حاکم - محکوم همانند حکومت در معنای مدرن آن عمل کرده است به صورتی که نهاد مسجد به عنوان نهادی که از صدر اسلام دارای جایگاهی ویژه بود، حیطه قضائی و شورائی و حتی اجرائی را در خود جمع کرده بود؛ بدین مفهوم که مطابق حکومت‌های مدرن، حوزه قضائی، شورائی و اجرائی (علی رغم در نظر داشتن شخصیت تعیین کننده رسول اکرم (ص) با توجه به مقام رسالت آن حضرت) در حکومت پیامبر نیز در نهادی به نام «مسجد» تعریف شده بود. از لحاظ اجرائی اگرچه با توجه به حاکمیت دینی - سیاسی پیامبر اسلام (ص) بر مدینه، نظر ایشان تعیین کننده بود (با در نظر گرفتن مواردی که در قرآن با آیه «یا ایها الناس» بدان اشاره شده که در این موارد مشورت توصیه شده است)، اما این اعلام نظر از لحاظ حقوقی مقید به آیات قرآن کریم، وفود، بیعت‌ها و پیمان نامه مدینه بود. از جمله این امور اجرائی را می‌توان در اعلام جنگ و صلح، تبادل یا آزادی اسراء، دریافت زکات و جزیه و تشکیل سپاه نام برد. اما مهمترین وجه اجرائی این حکومت همانا تبلیغ آئین اسلام و تربیت اسلامی امت بود. با توجه به عبارات بالا آنچه که مدنظر است این است که اصولاً نظام ریاست پیامبر بر مدینه دارای ساخت و بدنه اجرائی و روابطی بود که شباهت بسیاری را به مفهوم مدرن حکومت دارد.

اما چهارمین مؤلفه در مفهوم مدرن دولت یعنی «حاکمیت» نیز در دولت مدینه نمایان است. قانون گذاری در دولت پیامبر طبق آیات قرآن کریم و وفود مدینه اعم از وفود عقبه و پیمان نامه مدینه و سایر بیعت‌ها انجام می‌شد. این قدرت نیز هم بر اساس مقام نبوت آن حضرت (وحی اسلامی) استوار بود و هم تا حد کمتری بر اساس ساختار قبیله. در این مورد نیز همانند موارد قبلی عنصر قبیله در کنار وحی اسلامی تاثیر خود را داشته است. اقتدار عالیّه دولت پیامبر نیز گو اینکه بر اساس مقام نبوت آن حضرت بود اما تجلی بیرونی آن در پرتو قبیله بازتاب داشت. مفهوم «ربعه» بر اساس وحی اسلامی در

^۱ - ابراهیم برزگر، تاریخ تحول دولت در اسلام و ایران، (تهران: سمت، ۱۳۸۳)، صص ۱۰ و ۱۱.

چارچوب قبیله قابل تحلیل است. چنانکه پیامبر در کنار اعمال حاکمیت، استقلال قبایل را در خصوص سنن و فرهنگ (در چارچوب اصول کلی اسلام) به رسمیت می شناخت.^۱

اما طرح این سوال در اینجا ضرورت دارد که اصولاً «حاکمیت» پیامبر و حکومت ایشان بر آمده از چه منبعی است؟ الجابری عقیده دارد که مخیله اجتماعی مسلمانان نخستین (گروه دعوت) در دوران حیات پیامبر (دوران تنزیل) بر اساس «عقیده اسلامی» شکل گرفت و قبیله و غنیمت تاثیر بسیار کمتری (نسبت به دوران تاویل) داشتند.^۲ بر این اساس منشأ قدرت حکومت پیامبر (ص) در «عقیده اسلامی» است. با توجه به این نکات می توان مفهوم حاکمیت در تعریف مدرن از دولت را با مفهوم «عقیده اسلامی» در سنت نبوی مقایسه کرد.

با توجه به نکات مطروحه، این تحقیق بر آن است که با مطالعه سیمای عمومی قدرت در مدینه پس از هجرت پیامبر اسلام (ص)، فرایند شکل گیری دولت پیامبر در مدینه را که ما از آن به «دولت مدینه» یاد میکنیم را در چارچوب رهیافت «ویری» و روابط قدرت بین دولت پیامبر و شهروندان بررسی کند؛ لذا بررسی ساخت و روابط قدرت در مدینه النبوی، از ابعاد مهم این تحقیق می باشد. برخی از ابعاد دیگر این تحقیق به شرح ذیل است.

الف. برخی صاحب نظران با توجه به اینکه دعوت پیامبر را از همان ابتدا، پروژه ای سیاسی به شمار می آورند، ساخت قدرت مذکور را حاصل جمع دین و سیاست دانسته اند و برای این ادعا روایاتی را نقل می کنند از جمله اینکه مورخان از شخصی به نام عقیف کندی یاد می کنند که گفت:

«فردی تاجر بودم، در ایام حج به مکه آمدم. به پیش عباس رفتم، در حالیکه نزد وی بودم، مردی بیرون آمد و به سوی کعبه نماز گذارد. آنگاه زنی بیرون آمد و با او نماز گذارد و آنگاه نوجوانی با ایشان نماز گزارد. به او گفتم ای عباس این دین چیست؟ گفت این برادر زاده ام محمد بن عبدالمطلب است که ادعا می کند خداوند وی را فرستاده است و گنج های قیصر و کسری بر وی گشوده خواهند شد... عقیف گفت ای کاش من چهارمین آنها بودم»^۳

بر این اساس الجابری حکومت پیامبر اسلام (ص) را بر اساس جمع بین دین و سیاست دانسته و به تبیین این موضوع می پردازد.^۴ در مقابل، مهدی حائری در کتاب «حکمت و فلسفه» حکومت پیامبر را یک مصلحت اندیشی مقطعی از نوع ریش سفیدانه دانسته و بر این عقیده است که پیامبر اسلام، دین را

^۱ - سید محمد ثقفی، ساختار اجتماعی و سیاسی نخستین حکومت اسلامی در مدینه، (قم: هجرت، ۱۳۷۶)، ص ۱۰۵.

^۲ - الجابری، همان، ص ۹۲.

^۳ - ابی الحسن علی بن محمد ابن الاثیر، الکامل فی التاریخ، (بیروت: دارالفکر، ۱۹۷۹)، ج ۱۳، ج ۲، ص ۵۷. به نقل از: داود فیرجی، قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، (تهران: نی، ۱۳۸۵)، ص ۱۴۳.

^۴ - الجابری، همان، صص ۸۷-۹۰.

از سیاست جدا دانسته و در پی تشکیل حکومت نبوده‌اند.^۱ با توجه به این نظرات، تلاش ما در این تحقیق این است که نشان دهیم اولاً دعوت پیامبر، دارای یک وجه سیاسی می‌باشد و ثانیاً این وجه سیاسی، دین را نیز در خود داخل دارد و به عبارتی حکومت در نزد پیامبر (ص) جمع بین دین و سیاست می‌باشد.

ب. دعوت و حکومت پیامبر بر اساسی استوار است که وحی اسلامی جوهر و هسته اصلی آن و ساخت عمومی قبیله، چارچوب آن را تشکیل می‌دهد. این ویژگی را می‌توان در بدنه اجرایی حکومت پیامبر، روابط آن با امت و کل ساخت قدرت مشاهده کرد. در چارچوب همین ساخت قبیله است که «اطم» و «ربعه» (استقلال جغرافیائی و فرهنگی قبایل) معنی پیدا می‌کند.

سؤال اصلی این پژوهش عبارتست از اینکه: «ساخت قدرتی که بعد از ورود پیامبر (ص) به یثرب در مدینه النبی و در زمان حیات آن حضرت شکل گرفت چه ماهیتی داشت؟ آیا ساختی مدرن بود یا ساختی ماقبل دولت و ارسنخ ریش سفیدانه داشت؟» در کنار سؤال فوق، چند سؤال فرعی دیگر نیز در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرند که عبارتند از:

- ۱) دولت چیست و چه اجزائی دارد؟
 - ۲) میزان انطباق و افتراق دولت پیامبر (ص) با آن مفهوم انتزاعی دولت بخصوص در چارچوب رهیافت «وبری» چقدر است؟
 - ۳) روابط قدرت میان دولت پیامبر (ص)، قبایل، مخالفان و قدرتهای محلی، منطقه ای و جهانی بر چه مبنایی استوار بود؟
- فرضیه اصلی این پژوهش عبارتست از اینکه: «دولت پیامبر (ص) در مدینه که ما از آن به دولت مدینه یاد میکنیم، در اجزاء و ایده از بسیاری از جهات با دولتهای مدرن سنخیت و سازگاری دارد.»
- در ذیل این فرضیه، فرضیه های فرعی دیگری نیز مد نظر قرار دارند که عبارتند از:
- ۱) دولت عبارتست از نهاد نهادها که مهمترین خصلت آن بهره مندی از ابزار اجبار آمیز است.
 - ۲) دولت پیامبر (ص) در مدینه به لحاظ ساختار و نهادهای توسعه یافته خود، با دولتهای مدرن تفاوتی داشت اما به لحاظ «ایده دولت» کاملاً به دولت مدرن نزدیک بود.
 - ۳) روابط قدرت دولت پیامبر (ص) در مدینه بر اساس قانون و خصوصاً «پیمان نامه مدینه» استوار بود.
- نکته مهمی که در این مقدمه باید مورد اشار قرار گیرد سوابق تحقیق است. مطالعات، پژوهش‌ها و کتب منتشره در خصوص تاریخ صدر اسلام و پیامبر اسلام (ص) را می‌توان در چند مورد زیر خلاصه کرد:

^۱ - ن.ک.: مهدی حائری یزدی، حکمت و حکومت، (بینا، بیتا)، صص ۱۴۰ و ۱۷۰.

الف. مطالعات تاریخی: در این دسته از مطالعات، دولت پیامبر در یک روند تاریخی و به عنوان یک واقعه مورد بررسی قرار گرفته است، آثار تاریخی چون تاریخ طبری، تاریخ مسعودی، ابن اثیر و... از این جمله اند.

ب. مطالعات شرق شناسی: در این دسته از مطالعات که غالباً از طرف محققان غیرمسلمان و غربی صورت گرفته، دولت مدینه به عنوان رخدادی در متن شرق و در مرحله دوم در متن اسلام، مورد توجه واقع شده و لذا زاویه نگرش به آن نیز یک دید «شرق شناسانه» بوده است. در این خصوص آثار شرق شناسان از جمله کتاب «اسلام و قانون بین الملل» نوشته فرد هالیدی و «اسلام گرانی یا شکست ذهنیت شرق گرانی نو» نوشته آلن روسیون قابل توجه اند.

ج. مطالعات سنتی اسلامی: در این حوزه از مطالعات نیز اسلام و احکام آن مورد مطالعه قرار گرفته و بیشتر به حوزه «عبادات» توجه شده؛ البته در مواردی نیز که به دولت مدینه اشاره شده، اکثراً این توجه از بعد «فقهی» بوده است. در این خصوص نیز می توان به کتب فقهی بسیاری در حوزه اهل سنت و شیعه اشاره داشت که از جمله آن «الاحکام السلطانیه» مآوردی، آثار خنجی و... قابل توجه هستند. اما تا آنجا که این نگارنده اطلاع دارد پژوهشی در خصوص ساخت و روابط قدرت در مدینه النبی صورت نگرفته هر چند برخی مطالعات در این مسیر از اهمیت بسیاری برخوردارند. در این خصوص می توان به کتاب ارزشمند ابراهیم برزگر با عنوان «تاریخ تحول دولت در اسلام و ایران» اشاره داشت. وی در این کتاب ضمن تبیین ساختار دولت در زمان پیامبر و نیز دوران پس از آن حضرت به تشریح ساخت و تاثیر عنصر قبیله پرداخته و بر اساس آن، ارزشهای قبیله ای را در تحولات قدرت آن دوران موثر می داند. همچنین کتاب مهدی حائری با عنوان «حکمت و حکومت» که در خصوص اطلاق یا عدم اطلاق عنوان حکومت به تشکیلات سیاسی - دینی پیامبر(ص) در مدینه است. او این عنوان را رد کرده و معتقد است که ریاست سیاسی - دینی پیامبر بر مدینه در قالب نظام حاکم - محکوم، یک مصلحت اندیشی مقطعی از نوع ریش سفیدانه بوده و اصولاً دین و سیاست از نظر پیامبر جدا بوده اند. بر این اساس وی اعتقاد دارد که پیامبر هیچگاه قصد تشکیل حکومت در مدینه را نداشته اند. همچنین کتاب داود فیرحی با عنوان «قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام» که در پی تبیین رابطه قدرت و دانش در دوران میانه اسلام است، حکومت مدینه را از لحاظ سیر تشکیل و تکوین مورد ارزیابی قرار گرفته و بر اساس آن استدلال شده است که دین و سیاست از نظر پیامبر جدا نبوده و اصلاً دعوت پیامبر از همان ابتدا، یک پروژه سیاسی بوده است. کتاب عابد الجابری با عنوان «عقل سیاسی در اسلام» با دیدی فلسفی به تشریح روابط در جامعه سیاسی دوران صدر اسلام و پس از آن پرداخته و عنوان می کند که در میان مسلمانان نخستین (گروه دعوت)، آنچه که بیشترین تاثیر را در شکل گیری مخیله اجتماعی آنان داشته، عقیده اسلامی بوده است.

اهمیت این تحقیق را از جمله می توان در تلاش برای پاسخ به سوالات و ابهاماتی دانست که در طول تاریخ اسلام مطرح شده است. یکی از پرسشها این است که آیا دعوت پیامبر اسلام(ص) از ابتدا دارای

جوهره سیاسی بوده یا بعدها خصلت سیاسی به خود گرفته است و یا اساساً پروژه ای سیاسی نبوده است؟ پرسش دوم این است که آیا پیامبر اسلام(ص) قصد تشکیل یک دولت مدرن را در مدینه داشته یا ریاست سیاسی - دینی ایشان بر مدینه، مصلحت اندیشی مقطعی از نوع ریش سفیدانه بوده است؟ پاسخ به هر یک از دو پرسش فوق ما را به پرسش سوم می‌رساند و آن اینکه آیا دین و سیاست از نظر پیامبر اسلام(ص) جمع در یک حوزه بوده‌اند و یا اینکه آن حضرت دین را از سیاست جدا می‌دانستند؟ بنابراین یکی از وجوه این تحقیق توجه به پرسشهای فوق الذکر است.

اهمیت و ضرورت دیگر این تحقیق را می‌توان در فهم شباهت دولت مدینه به یک ساخت مدرن دولت دانست. از این منظر پاسخی نیز به ابهاماتی که طی سالیان اخیر در جوامع غرب نسبت به ابعاد سیاسی سیره نبوی مطرح شده است، می‌تواند داده شود.

در خصوص اهداف این تحقیق می‌توان به موارد ذیل اشاره داشت:

الف. یکی از اهداف این تحقیق رافع کاستیهای نظری در خصوص چیستی دولت مدینه و ساخت آن از لحاظ میزان انطباق با یک برداشت مدرن از مفهوم دولت می‌باشد. این هدف از آنجائی اهمیت پیدا می‌کند که با یک نگاه به کتب منتشر شده در خصوص پیامبر اسلام(ص) و حکومت وی می‌توان بخوبی مشاهده کرد که اکثر این کتب یا سعی در توصیف صوری این حکومت داشته‌اند و یا اینکه این حکومت را از زاویه کارکردگرایانه تحلیل کرده‌اند.

ب. هدف دیگر این تحقیق با توجه به الگوگیری بسیاری از جنبشها و جریانهای سیاسی در بین مسلمانان از صدر اسلام، شفاف سازی یکی از مقاطع مهم تاریخ صدر اسلام یعنی دوران هجرت و تشکیل دولت مدینه از بعد نظری می‌باشد. برداشت سطحی و ظاهری جریانات سلفی گر از دولت پیامبر، ضرورت فهم منطقی این دولت را بیش از پیش مبرهن ساخته است.

ج. با توجه به اینکه در بسیاری از کشورهای اسلامی، اسلام به عنوان یک شیوه حکومتی مورد غفلت قرار گرفته است و یا اینکه حتی در صورت استفاده از اسلام، برداشتهای صحیحی در این خصوص اعمال نشده است، می‌توان دیگر هدف این تحقیق را معرفی شیوه حکمرانی پیامبر(ص) به عنوان یک الگو تلقی کرد.

د. هدف دیگر نگارنده علائق شخصی نسبت به شناخت دوران صدر اسلام و هجرت از یک نگاه سیاسی و نیز ساخت قدرت در دولت مدینه و شناخت و مطالعه تطبیقی آن بوده است.

روشی که برای این تحقیق به کار رفته، تلفیقی از دو روش توصیفی و تاریخی می‌باشد. تحقیق توصیفی آنچه را که هست، توصیف و تفسیر می‌کند و به شرایط و روابط موجود و عقاید متداول توجه دارد. این روش، بیشتر شرائط حال را در نظر دارد اما غالباً رویدادها و آثار گذشته را نیز که به شرایط موجود مربوط می‌شوند مورد بررسی قرار می‌دهد. یک نمونه متعارف تحقیق توصیفی، شامل ارزیابی نگرشها یا عقاید نسبت به افراد، سازمانها، رویدادها یا رویهها بر می‌گردد. این تحقیق با توجه به اینکه یک موضوع تاریخی را در یک تحلیل و مفهوم مدرن مورد بررسی قرار می‌دهد، ناچار است که علاوه بر روشی

توصیفی، روش تاریخی را نیز بکار بندد که بر اساس آن یک تحقیق ممکن است به فرد، یک عقیده، یک جنبش یا یک نهاد معطوف باشد. تحقیق تاریخی از آن دست از تحقیقاتی است که بر موضوعی معین که در گذشته و در یک مقطع زمانی مشخص اتفاق افتاده است، نظر دارد. تلاش محقق در یک روش تحقیق تاریخی بر آن است که حقایق گذشته را از طریق جمع آوری اطلاعات، ارزشیابی، بررسی صحت و سقم اطلاعات، ترکیب دلایل مستدل و تجزیه و تحلیل آنها، به صورتی منظم و عینی ارائه کند و نتایج پژوهشی قابل دفاعی را در ارتباط با فرضیه های تحقیق ارائه کند.

روش جمع آوری اطلاعات نیز، «کتابخانه‌ای» بوده است. در این روش با مطالعه کتابها، مقاله‌ها و تحقیقات دیگران که در حوزه موضوع مورد نظر است، می‌توان موضوع تحقیق را بیشتر شناخت و ابعاد آنرا بهتر درک کرد و اهداف تحقیق خود را محقق ساخت. این روش هنگامی اهمیت خود را دو چندان می‌سازد که روش تحقیق و موضوع، تاریخی باشد. در این کتاب سعی شده است تا با شناخت کتابخانه‌های تخصصی (به خصوص دانشگاهی) و آشنائی با روش نظام دهی کتابها، بوسیله فیش برداری کلاسیک از مطالب کتب مورد نظر، به جمع آوری اطلاعات در خصوص موضوع تحقیق پرداخته. همچنین از مطالب وب سایت‌ها، مجلات علمی و نیز سخنرانیهای علمی استفاده شود. در اینجا اشاره به مفاهیم مهمی چون دولت، دولت پیامبر، ارکان دولت و پیمان‌نامه مدینه ضروری است:

الف. دولت

اکنون این پرسش مطرح است که دولتی که ما سعی در بیان مؤلفه‌های آن داریم چیست؟ بسیاری از مطالعاتی که در خصوص دولت صورت گرفته به کارویژه های دولت و علل شکل گیری آن در قالب های زیر پرداخته اند:

(۱) علت و فلسفه وجودی دولت

(۲) چگونگی تاسیس دولت

(۳) ساختار و کارویژه های دولت

در این تحقیق هدف ما پرداختن به دولت از لحاظ چیستی و به عنوان یک نهاد می‌باشد ولی ذکر یک نکته ضرورت دارد و آن این که در پرداختن به مفهوم دولت به نظر می‌رسد که تعریف درست بر اساس مفهوم چیستی آن وابستگی زیادی به تبیین علت وجودی دولت و نیز نظریه تاسیس آن دارد. و اما دولت چیست؟ اندرو وینسنت در کتاب «نظریه‌های دولت»، دولت را از نگاه هگل^۱ و بر اساس نظریه اخلاقی دولت اینگونه معرفی می‌کند که دولت، تجلی گاه روح در شکل تکامل یافته آن است که این تکامل در جریان یک سیر دیالکتیکی، اتفاق می‌افتد و از نظر وجودی نتیجه یک فرآیند تاریخی

^۱ - Friedrich Hegel

درازمدت است. براساس نظریه اخلاقی دولت، هگل برای دولت، سه شکل معنایی دولت بیرونی، سیاسی و اخلاقی قائل شده است. در شکل اول، دولت به معنای مجموعه منظمی از قوانین است که فراتر از ازدحام اغتشاش آمیز بازار قرار دارد. در معنای دوم، دولت بر حسب نهادهای خاص حکومت مورد تعریف قرار می گیرد. در این معنا، هگل به نظام قدرت سیاسی نظر دارد. در معنای سوم، هگل عقیده دارد که شهروندان به وجود معنایی اخلاقی در ساختار نهادی دولت پی می برند. در این معنا، هگل دولت را به عنوان تجلی گاه روح تکامل یافته که انسانها می توانند در ضمن آن به آزادی مثبت برسند، تلقی می کند. در این معنا، دولت از لحاظ صوری نهادی اخلاقی است که در قالب قوانین و ساختارهای سیاسی خود، متضمن علائق اخلاقی افراد می باشد. بر این اساس، هگل استدلال می کند که خواستها و نیازهای ذهنی و درونی شهروندان در جهان عینی نهادها ریشه دارد. در این تعبیر، کار ویژه اصلی دولت، اخلاقی است. در کل، دولت اخلاقی از نظر هگل خلاصه فرآیندی اجتماعی است که در آن جوهر آگاهی و اراده فردی در نهادها عینیت می یابد. هگل دولت را در این مرحله، «فعلیت اندیشه اخلاقی» می خواند. در این مرحله است که به نظر هگل آزادی واقعی به دست می آید و موضوعات اراده فردی با موضوعات عقل منطبق می شوند.^۱

در مقابل نظریه اخلاقی دولت هگل، مارکس نظریه طبقاتی دولت خود را ارائه می کند که بر اساس آن، دولت مبتنی بر دفاع از علائق و منافع مالکیت خاص در جامعه مدنی است. بنابراین، دولت کمیته اجرایی اداره امور بورژوازی می باشد. مارکس کلید فهم دولت را بررسی «رابطه مستقیم مالکان و وسائل تولید با تولید کنندگان» می داند و عنوان می کند که شکل دولت و نحوه پیدایش آن به وسیله وجوه و روابط تولید تعیین می شوند. با این توضیحات، مارکس در واقع دولت را در معنای حکومت آن برداشت کرده و آن را ظاهراً به عنوان مجموعه ای از نهادهای سیاسی مشخص شامل قوه مجریه، قوه مقننه، دربار، قوه قضائیه و صاحب منصبان مختلف تلقی می کند؛ با توجه به رابطه مستقیمی که مارکس بین دولت و طبقه بیان می کند، دولت در نظر وی نهاد بورژوازی کاملاً سرکوبگری است که در زمینه استثمار و ادامه فقر پرولتاریا به طبقه حاکمه مساعدت می کند. آنچه که در اینجا مهم می نماید تفاوت بین دولت بورژوازی و دولت پرولتاریائی (پس از انقلاب پرولتاریا) می باشد. وی این دولت پرولتاریا را نه یک قدرت دولتی بلکه یک دستگاه اداری می داند. اگر چارچوب فهم مارکسیستی گرامشی دولت را بر اساس مفهوم روبنا در مارکسیسم، نظامی حقوقی - سیاسی می داند که ریشه در مبارزه طبقات اجتماعی دارد. وی بر خلاف مارکس، دولت را نه ابزار طبقه حاکم بلکه حوزه ای که در آن «بخشهایی» از طبقات بر سر قدرت مبارزه می کنند و بدان سامان می بخشند، می داند. در این حالت دولت در نظر

^۱ - اندرو وینسنت، *نظریه های دولت*، ترجمه دکتر حسین بشیریه، (تهران: نی، ۱۳۸۷)، صص ۱۸۳ - ۲۱۹.

^۲ - Karl Marx

^۳ - وینسنت، همان، صص ۲۲۱ - ۲۴۲.

^۴ - Antonio Gramsci

گرامشی حداقل شامل دستگاه اجرایی، قوه قانونگذاری، قوه قضائیه، پلیس و ارتش می‌باشد. آنچه که باعث تفاوت میان نظر مارکس و گرامشی در خصوص دولت شده، این است که دولت از نظر گرامشی، از زیر بنای اقتصادی «استقلال نسبی» دارد در حالیکه مارکس آن را این گونه نمی‌داند. در همین راستا گرامشی همانند هگل، دولت را نه صرفاً مجموعه‌ای از نهادها، بلکه مجموعه‌ای از ارزش‌های فکری مسلط می‌داند. از طرف دیگر، گرامشی با توجه به تعریفی که از جامعه مدنی داشت (سازمان‌ها و ابزارهایی که هژمونی از طریق آنها در همه حوزه‌های فرهنگ و اندیشه پراکنده می‌شود)، دولت را مجموع جامعه سیاسی و جامعه مدنی دانسته و لذا دولت را به عنوان ساختارهای نهادی اجبار معرفی می‌کند. به معنای دیگر، دولت در نظر گرامشی در برگیرنده اجتماع سیاسی، ساختار نهادی و سازمانی و نیز هژمونی و جامعه مدنی است. دولت بدین معنا دستگاه هژمونی است که بر اساس اجبار استوار است.^۱

کثرت‌گرایان سیاسی (که زندگی اجتماعی را بر حسب گروه‌ها مطالعه می‌کنند)، نیز نظر خاصی در مورد چیستی دولت دارند. کثرت‌گرایان با توجه به واکنش خود نسبت به فردگرایی افراطی در لیبرالیسم و نیز اندیشه‌های وحدت‌گرایانه درباره دولت (مانند اندیشه‌های بُدن^۲ و هگل)، اصولاً دارای برداشتی منفی از دولت هستند و بر همین اساس گروه را در مقابل دولت قرار می‌دهند (سندیکالیست‌ها و آنارشیست‌ها). آنچه که در نظریات کثرت‌گرایان حائز اهمیت است، پرداختن آنها به سه مقوله «آزادی، حاکمیت و شخصیت گروه‌ها» می‌باشد. به طور خلاصه وار می‌توان اینگونه بیان نمود که اصولاً کثرت‌گرایان برای «آزادی» ارزش بسیاری قائل شده اما آنرا در ضمن روابط اجتماعی و در میان گروه‌ها جستجو می‌کنند. از طرف دیگر آنها مفهوم حاکمیت را در شکل ابراز شده مطلق آن (توسط افرادی چون هابز،^۳ بُدن و هگل) رد کرده و نیز برای گروه‌ها یک وجه «شخصیت» حقیقی مبنی بر اینکه افراد تنها در درون گروه‌ها وجود دارند و گروه‌ها نیز اشخاص حقیقی هستند، قائل شده و در نتیجه اقتدار و آزادی گروه‌ها را قابل احترام می‌دانند. کارکردگرایی همچون «تالکوت پارسونز»^۴ نیز بر اساس نظریه توسعه به بررسی دولت پرداخته و آنرا نتیجه فرآیند کلی تنوع‌ساختاری و نهادمند شدن جامعه و غیر شخصی شدن روندهای سیاسی می‌دانند. پارسونز به تبعیت از «دورکهایم»^۵ استدلال می‌کند که دولت حاصل گسترش تقسیم کار در جامعه است (سازمانهای تخصصی در نتیجه گسترش تقسیم کار بوجود می‌آیند و حول دولت شکل می‌گیرند)، بنابراین وجود دولت مستلزم پیدایش شرایطی مانند گسترش و رشد فن و صنعت است در نتیجه دولت را می‌توان

^۱ - وینست، همان، صص ۲۴۲ - ۲۵۰.

^۲ - John Boden

^۳ - Thomas Hobbes

^۴ - Talcott Parsons

^۵ - Emile Durkheim

به عنوان مجموعه‌ای از سازمانهای تخصصی مرتبط با تقسیم کار در جوامع پیشرفته از لحاظ فنی، توصیف کرد.^۱

اما آنچه که در این تحقیق مدنظر است، بررسی چستی دولت در یک رهیافت وبری و مقایسه میزان انطباق دولت مدینه با یک برداشت مدرن از مفهوم دولت در چارچوب این رهیافت می‌باشد. در خصوص دیدگاه «ماکس وبر»^۲ حول چستی دولت، احمد گل محمدی در کتاب خود با عنوان «چستی، تحول و چشم انداز دولت» بر آن است که وبر در مطالعات خود با هر گونه تعریف کارکرد محور از دولت مخالفت داشت و بر همین اساس وی دولت را در چارچوب تعریف ساخت محور، نهادی می‌داند که انحصار مشروعیت به کارگیری زور فیزیکی در یک قلمرو مشخص را به عهده دارد. لذا در تعریف خود از دولت بر روی چهار مؤلفه «انحصار، مشروعیت، زور فیزیکی و قلمرو معین» تاکید داشت. بر همین اساس وبر با تاکید بر عنصر «زور فیزیکی»، دولت را از سایر نهادهای اجتماعی که ممکن بود اهداف و کارکردهای مشابهی در بعضی امور داشته باشند، تمیز می‌داد. بدین ترتیب وبر، دولت را نهادی خاص به شمار می‌آورد که مجموعه‌ای از نهادها را شامل می‌شود و مهمترین آن نهادها نیز مربوط به ابزارهای خشونت و اجبار است.

ب. دولت پیامبر (ص)

به گزارش مورخان، پیامبر اسلام (ص) پس از هجرت به مدینه بر اساس وفود عقبه و «پیمان نامه مدینه» مبادرت به ریاست دینی- سیاسی بر جامعه مدینه نمودند. این ریاست در قالب نظام حاکم- محکوم دارای مؤلفه‌هایی بود که بر اساس آن می‌توان عنوان دولت را بر این ریاست نهاد. در این راستا، ساخت سیاسی مدنظر پیامبر دارای عناصری است که می‌توان آن را در قالب دولت جای داد. این دولت در واقع «نهاد نهادها» به شمار می‌رفت که مشروعیت استفاده از زور فیزیکی را (بر اساسی وحی اسلامی و وفود مدینه) در چارچوب یک قلمرو مشخص (حرم) در اختیار داشت. اگر بخواهیم به زبان وبری سخن بگوییم باید عنوان کنیم که در این دولت عناصر چهارگانه «انحصار، مشروعیت، زور فیزیکی و قلمرو معین» قابل مشاهده هستند؛ بدین ترتیب دولت پیامبر نهادی به شمار می‌رود که بر اساس وحی اسلامی و وفود مدینه در استفاده از زور فیزیکی، مشروعیت داشت و این مشروعیت با توجه به همین منابع، انحصاری و فقط در اختیار دولت پیامبر (ص) در مدینه قرار گرفته بود. از طرف دیگر ویژگی استفاده از زور فیزیکی، باعث تمیز این نهاد از سایر نهادهای اجتماعی می‌شد. همچنین این انحصار مشروعیت در به کارگیری زور، در قالب یک سرزمین مشخص (حرم) که توسط پیامبر مرزهای

^۱ - گی روشه، جامعه شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، (تهران: تبیان، ۱۳۷۶)، صص ۲۳۹-۲۵۲.

^۲ - Max Weber

آن به دقت مشخص شده بود، اعمال می‌شد. با این تفاسیر دولت پیامبر جدا از ویژگی و کار ویژه‌هایش، در ساخت نیز نزدیکی بسیاری به تعاریف مدرن از دولت داشت.

ج. ارکان دولت

دولت پیامبر دارای سرزمینی بود که حرم مدینه به شمار می‌رفت. این حرم به دقت از طرف پیامبر مشخص و مورد تأکید قرار گرفته بود. همچنین این حرم دارای قوانین خاص خود از قبیل حرمت مسافران، عدم قطع درختان و... بود. از طرفی اطم یا قلمرو سرزمینی هر قبیله در داخل همین حرم مطابق «پیمان نامه مدینه» مورد تعریف قرار گرفته و از نوعی خود مختاری بر خوردار بود. این دولت همچنین دارای جمعیتی بود که در پیمان نامه مدینه با لفظ «امت» مورد خطاب قرار گرفته است. بر اساس همین پیمان نامه، امت مدینه نه یک گروه خاص بلکه مهاجران، انصار، یهود و مشرکان ساکن مدینه را شامل می‌شد. «حاکمیت» دیگر مشخصه این دولت است که با توجه به ساختار قبیله‌ای جامعه و نیز عنصر حیات بخش «وحی اسلامی» مورد وثوق قرار گرفته بود. مسلمانان نخستین بر اساس عنصر «ایمان اسلامی»، اقتدار عالی پیامبر و حکومت وی را پذیرفته و بر اساس وحی اسلامی و وفود مدینه، آن را شایسته قانونگذاری و انحصار در مشروعیت قانونگذاری دانسته بودند. در چارچوب همین وحی اسلامی و ساختار قبیله نیز پیامبر به هر یک از قبایل در خصوص سنن و رسوم خود، در متن کلی قواعد اسلام خودمختاری فرهنگی (ربعه) داده بود از طرفی دولت پیامبر، با توجه به تشکیلات اجرائی آن، دارای بدنه و کارکرد هائی بود که حکومت را تشکیل می‌داد. این حکومت دارای سلسله مراتبی بود که این سلسله مراتب بر اساس «وحی اسلامی» و با در نظر گرفتن ساختار قبیله، نهاده شده بود. در این حکومت پیامبر به منزله مرکزی بودند که صحابه نزدیک آن حضرت، نزدیکترین حلقه به این مرکز قلمداد می‌شدند. این حکومت همانند حکومت‌های مدرن وظایف قانونگذاری، قضائی و اجرائی را عهده‌دار بود و برای هر کدام احکام و نهادهای ویژه ای داشت.

د. پیمان نامه مدینه

در اوائل هجرت پیامبر اسلام (ص) به مدینه، پیمان نامه‌ای میان ایشان و بسیاری از قبائل ساکن مدینه به امضاء رسید که بر ۴۷ بند مشتمل می‌شد. بر اساس این پیمان نامه، حقوق پیامبر، افراد و قبایل مورد تأکید قرار گرفته و چارچوب حقوقی مشخصی برای ریاست سیاسی - دینی پیامبر بر مدینه مشخص گردیده بود. این پیمان نامه در واقع قانون اساسی مدینه و دولت پیامبر قلمداد می‌شد که در ضمن آن بسیاری از مفاهیم چون امت، اطم، حرم، ربعه و... مورد تبیین قرار گرفته بود. روابط قدرت در مدینه و میان دولت مدینه و امت مدینه نیز در چارچوب پیمان نامه مدینه تعریف می‌شد. بدین مفهوم که اصولاً روابط قدرت در مدینه علی رغم شخصیت تعیین کننده پیامبر اسلام و مقام نبوت آن حضرت، هرگز به صورت خود سرانه نبود و در واقع بر اساس مفاد پیمان نامه مدینه به اجرا در می‌آمد. در متن

این پیمان نامه حقوق افراد نیز همانند سران و اشراف قبایل مورد توجه قرار گرفته و لذا از این نظر نیز انقلابی در ساختار اجتماعی آن دوران به وجود آورده بود.

به لحاظ سازماندهی نیز این تحقیق شامل یک مقدمه، سه فصل و بخش نتیجه گیری است. در مقدمه به «کلیات تحقیق» شامل طرح مسئله، سئوالات، فرضیه‌ها، روش، اهداف و... پرداخته می شود. در فصل اول با عنوان «چارچوب نظری؛ چیستی دولت» سعی در تشریح چیستی دولت بر اساس نظریات گوناگون اندیشمندان و بخصوص ماکس وبر داشته ایم. فصل دوم با عنوان «ساخت قدرت در دولت مدینه» سعی می کند در چارچوب رهیافت وبری عناصر دولت مدینه را بررسی کند و میزان شباهت آنرا به مفهوم مدرن از دولت را تحلیل کند. فصل سوم هم با عنوان «روابط قدرت در دولت مدینه» بر آن است تا بر اساس «پیمان نامه مدینه» روابط قدرت را در درون دولت پیامبر و نیز بین دولت مدینه با امت و قبایل، مخالفان و قدرتهای محلی، منطقه ای و جهانی مورد مطالعه قرار دهد. در پایان نیز سعی کرده ایم تا با یک جمع بندی، به نتیجه گیریهای علمی برسیم و در انتها گزیده ای از منابع استفاده شده، ذکر گردیده است.

فصل اول

چیستی دولت

امکان و ضرورت تعریف دولت

پیش از ورود به مبحث چیستی دولت و بررسی تعریف دولت از نگاه صاحب نظران، به نظر می‌رسد که ابتدا باید به این دو سؤال پاسخ گفته شود: نخست اینکه آیا تعریف دولت ممکن است؟ دوم اینکه آیا تعریف دولت لازم است؟

برخی صاحب نظران با توجه به اینکه وجود «هستی مشخصی» به نام دولت را قبول ندارند، لذا امکان تعریف آن را غیرممکن می‌شمرند. اینگونه اندیشمندان اصولاً هستی دولت را زیر سؤال می‌برند و تأکید دارند که جعل و کاربرد مفهوم دولت، چیزی جز آشفتگی فکری و سردرگمی در پی نخواهد داشت. البته اکثر این دسته از پژوهشگران، وجود داشتن چیزی به نام دولت را به طور قاطعانه رد نمی‌کنند، بلکه تعریف پذیری آن را مورد تردید قرار می‌دهند. اینگونه پژوهشگران بر این عقیده‌اند که اگر چیزی به نام دولت نیز وجود داشته باشد، بسیار مبهم‌تر از آن است که تعریف پذیر باشد. از میان این دسته از پژوهشگران می‌توان به «دیوید استون»^۱ و آراء او اشاره داشت.

دسته‌ای دیگر از نظریه پردازان نیز بر این عقیده هستند که نیازی به تعریف دولت نیست. این عده بر آنند که در بسیاری از موارد، واژگانی چون نظام سیاسی، حکومت، رژیم سیاسی و... با توجه به داشتن بار «متافیزیکی» کمتر، دارای «وضوح مفهومی» بیشتری هستند و لذا به لحاظ تجربی آزمون پذیرترند. در این میان گروهی نیز ارزش تبیینی مقوله دولت را به علت دشواری تعریف آن زیر سؤال می‌برند و دسته‌ای دیگر تعریف دولت و کاربرد مفهوم آنرا باعث تمرکز روی «قدرت پژوهی» دانسته و لذا آنرا گمراه کننده تلقی می‌کنند. این گونه اندیشمندان که غالباً دارای نگاه رادیکالی به نظم اجتماعی

^۱ - David Easton

^۲ - Gabriel Almond, "The return to The State", *American Political Science Review*, Vol. 82, (1988), p. 872.